

سوگواری، زیر سایه سازها

نگاهی به بدعتی در مجالس ترحیم که نشانی از تجملات و انحراف از فلسفه برگزاری این مراسم دارد

گزارش روز



مهرماه قربان

مراسم چهل‌پدر شان را در یکی از ستوران‌های نامدار شهرستان برگزار کرده‌اند. این مراسم، بدعتی دهن‌پرکن ولاچگری است که می‌تواند نامدت هاسوژهای برای حرف‌زدن‌های قابل‌باشد؛ همان‌ها که وقت فراغت بیشتری دارند و به گپ‌وگفت در باره این گونه موضوعات علاقه‌مندند. قضاقتفاوت از دیگر مراسم ترحیم است. حتی نوع پوشش آن‌هایی که صاحب‌عزاهستند، آرایش و به قول خودشان میکاپ خانم‌های جوان، یک بخش از رستوران، زوج‌های جوان زیر موسیقی ملایمی که پخش می‌شود، در حال خوش‌ویش کردن هستند. آدم‌مردمی ماند اینجامراسم ترحیم و ختم است یا...؟ حواسم به آدم‌هاست و اجرای موسیقی پشت‌سرم؛ یک گروه چندنفره کاربلد که دستشان آمده است متناسب با شرایط و حتی خانواده مرحوم و افراد شرکت‌کننده، چه اجرایی داشته باشند. با اولین اجرا، صدای صاحبان عزایه گریه بلند می‌شود، صدای آهنگ در فضای بیحد، پدر یعنی گرمی یک خانه / پدر یعنی شانه مردانه / پدر یعنی اشک پنهانی / پدر یعنی قلب بارانی و... و بعد چند لحظه، جمعیت حاضر، اجرای آهنگ دیگری را شاهد هستند؛ لحظه خدا حافظی به سینه‌ام فشردمت / اشک چشمم جاری شد / دست خدا سپردمت و... چند اجرا پشت‌سرم که کلافراشوش می‌کنیم کجاستیم و به چه منظوری. معلوم است مراسم به مذاق شرکت‌کنندگان خوش آمده است. حالا غالب میمانان به دنبال کارت ویزیت گروه هستند که اعضای هنری آن مشخص‌اند. کارت ویزیت دست به دست می‌چرخد و بعد سینی‌های حلوا و خرما و... شکل‌گیری جریان‌هایی به همین سادگی است. برخی مسائل کم‌اهمیت، اگر سلسله‌وار و پشت‌سرم تکرار شوند، آهسته آهسته به آیین و فرهنگ تبدیل می‌شوند و آن وقت دیگر برای تغییر دادنشان دیر است و سخت می‌شود این کار را کرد. من خبرنگارم. کارم دیدن و نوشتن مسائل روزانه است؛ کمی پربرنگ‌تر از دیگران. بی آنکه بخواهم قصد و نیت شخصی‌ام را در آن دخیل کنم. اما اتفاق‌هایی در حال افتادن است که راحت نمی‌شود از کنار شان گذشت. وقتی مرز هنجارها شکسته می‌شود، کسی نمی‌داند دقیقاً این کار خوب است یا بد. این نوع از مراسم سوگواری را برای اولین بار است که می‌بینم. لایدا صاحبان عزای فکر می‌کنند هر چه مراسم لاچگری‌تر برگزار شود، به عزیز از دست‌رفته‌شان احترام بیشتری گذاشته‌اند اما کارشناسان در باره این بدعت‌ها هشدار می‌دهند و فاصله گرفتن از فلسفه برگزاری مراسم ترحیم را از آسیب‌های این بدعت‌ها برمی‌شمارند.

اجرای جدید در یک مراسم

زیر آفتاب داغ آرامستان ایستاده‌ام. صدای آهنگی از آن حوالی بلند است. باینکه مدیرعامل سازمان مدیریت آرامستان‌های شهرداری مشهد از سخت‌گیری قوانین برای اجرای مداخلان در آرامستان‌ها می‌گوید، به نظر می‌رسد اشعار و آهنگ‌های سنتی، جای ذکر مصیبت را گرفته‌اند و مراسم هفتم و چهل‌پدر با جراحای نو و تازه برگزار می‌شود. مداح حالا خواننده‌ای است که سعی می‌کند با تلفیق اشعار و تنظیم آن‌ها به مجلس شور بدهد؛ چهل‌روزه که بوی گل نیلوفر بار / صدای چه چه بلبل نیلوفر // روید از باغبان گل پرسید بار / چرا بلبل به صید گل نیلوفر. او دوباره صفحه تلفن همراه را بالا می‌آورد و می‌کند و موسیقی دیگری پخش می‌شود. اجرا کننده بخش نهایه، خودش است که با تشکر از کسانی که در مراسم شرکت کرده‌اند، ختم آن را اعلام می‌کند. این بار هم شماره مداح دست به دست می‌شود تا به وقت نیاز از آن استفاده شود.

مجلس ترحیم است یا کنسرت؟

البته دیدگاه‌ها در این حوزه متفاوت است. برخی‌ها اعتقاد دارند سوگواری به هر شیوه‌ای که باشد، همین اندازه که بتواند تألم خانواده‌ای که عزیزشان را از دست داده‌اند کم کند، خوب است. اما در گذشته‌ای که چندان دور، مداحان در مراسم ترحیم، ذکر مصیبت می‌کردند. قرائت صلوات و فاتحه، خبراتی بود که بازماندگان برای شادی روح عزیز از دست‌رفته هدیه می‌کردند. برگزاری این گونه مراسم، بیشتر برای هم‌دردی و تسلی دادن به خانواده سوگوار بود. درحالی‌که به قول یکی از رهگذران در بهشت رضا که تحت‌تأثیر این سبک مجالس قرار گرفته است، سبک و سبک مراسم سوگواری هم متناسب با زندگی‌های امروزی، تغییر کرده و دگرگون شده است. به طوری‌که گاهی آدم حس می‌کند در یک کنسرت شرکت کرده است، نه مجلس ترحیم. بدعتی که این روزها در حال باب شدن و رونق گرفتن است، تماشای ناشی از چشم‌وهم چشمی و ذوق کردن از این باب است که هر چه لاچگری‌تر، بهتر و به جای ذکر مصیبت اهل بیت^{علیهم‌السلام} که باعث تسلی خانواده باشد، خواندن آهنگ‌های مختلف، باب شده‌است. نزدیک غروب است. خورشید کم‌نمی‌آورد و جانانه می‌تابد. از بلوکی دورتر، آهنگ «من مانده‌ام تنهای تنها...» به گوش می‌رسد و پشت سرش صدای گریه و فریاد.

نوازندگان چند نفر باشند؟

منوی موسیقی را از بین گزینه‌های متفاوت پیشنهادی یکی از گروه‌های تشریفاتی انتخاب می‌کنم که در حوزه مراسم ترحیم فعالیت می‌کنند و تقریباً معروف و معتقد هستند. شماره‌رامی‌گیرم و منتظر می‌مانم. بوق اول نشن به دومی نرسیده، یکی پاسخ را می‌دهد و گرم، حال و احوال می‌کند. معلوم است که نمی‌خواهد به هیچ قیمتی مشتری را از دست بدهد. می‌پرسم فرصت برگزاری مراسم را در روز خاک سپاری دارند. اول نسبتمان را با فرد متوفی می‌پرسد و دوباره تسلیت می‌گوید و خیال‌مان را راحت می‌کند که کند که متناسب با آن، در روز خاک سپاری مراسم اجرا می‌کنند. نمی‌دانم همه خانواده‌هایی که عزیزی را از دست داده‌اند، این قدر حوصله به خرج می‌دهند که بخواهند مشخص کنند برای اولین مراسم، آن هم در روز خاک سپاری، تعداد نوازندگان چند نفر باشند یا طرف، از روی عادتش است که می‌پرسد: «نوازندگان سه نفر باشند، بهتر است یا چهار نفر؟». خوبی‌اش این است که واکشن‌مان از پشت خط تلفن، مشخص نیست. او خیلی خونسرد در مورد برنامه‌شان توضیح می‌دهد: «بنا بر حزن و اندوهی که افراد خانواده دارند، موسیقی پخش می‌شود» و دوباره خیال‌مان را راحت می‌کند که همه چیز آبرومندانه و همان طوری است که دل‌مان می‌خواهد: «نوع موسیقی که برای روز اول انتخاب می‌شود، بهتر است سنتی باشد». حالا که دوباره همه چیز جامع حرف زده است، منتظر واکشن‌مان می‌ماند. دوباره نظرمان را می‌پرسد؛ اینکه دوست داریم مراسم با چند نوازنده برگزار شود و بلافاصله هزینه‌ها را اعلام می‌کند: «داخل تالار برای هر نوازنده، ۵ میلیون تومان در نظر بگیرد. این مبلغ برای آرامستان فرق می‌کند». سعی می‌کند نکته‌ای از قلم نیندازد: «گروه ما چهارنفره است و برای مراسم تا چهار نفر شرکت می‌کنیم، اما با سه نفر هم می‌شود کار با کیفیت اجرا کرد. حالا انتخاب با خودتان است».

می‌خواهم مکالمه را تمام کنم که می‌پرسد وسط کلام و می‌گوید: «برای مراسم بهشت رضا با دو نفر هم می‌توان آن را آبرومندانه جمع کرد و قیمت‌ها برای تالار تخفیف خورده است. اما در آرامستان به خاطر سختی رفت‌وآمد، قضیه فرق می‌کند». خوبی‌اش این است که به قدری سرگرم تبلیغ و بازاریابی است که از لحن کلام، متوجه خنده و تعجب نمی‌شود. متلاً سوگواری و از نزد یکان متوفی... پرسش‌ها پشت سرهم در ذهن تکرار می‌شود؛ برای منی که تازه عزیزی را از دست داده‌ام، چقدر باید نوع موسیقی و تعداد افراد اجرا کننده آن، مهم باشد؟

۴

سامان‌دهی جامعه مداحان آرامستان‌ها

حضور در مراسم ختم یعنی اینکه یادمان بماند مرگ برای دیگران نیست و دیر بازود سراغ ما هم می‌آید. اما به نظر می‌رسد برگزاری مراسم ختم و ترحیم، بیش از آنکه برای آرامش اموات و تسلی عزاداران باشد، میدان چشم و هم چشمی‌هاست. مجلسی که در گذشته به نیت ثواب و اجری برای تازه‌درگذشته برگزار می‌شد، حالا رقابتی است بر سر اینکه کدام لاچگری‌تر است و گاهی میزان سنجش ارادت خانواده به فردی که تازه درگذشته است. همین بریزوپاش‌ها نیازمند نظارت و بررسی است تا مانع وقوع این اتفاق‌ها شود. سید محمدصادق احمدی نیک، مدیرعامل سازمان مدیریت آرامستان‌های شهرداری مشهد، از سامان‌دهی مداحان و شرکت‌های تشریفاتی می‌گوید: معمولاً طبق رسمی از گذشته‌های دور تا الان، مداحان بخشی از مراسم هفتم و چهل‌پدر را برگزار می‌کنند و گاه به منظور حال و هوایی سوزناک‌تر، زیر صدای اجرا می‌شود که این موضوع از نظر ما قانونی نیست. او ادامه می‌دهد: تقریباً یک ماه است برای سامان‌دهی این موضوع، مزایده‌ای برگزار شده است که در آن حدود ۷۰ تا ۵۸۰ درصد مداحان، تحت پوشش غرقه مداحی ما قرار گرفتند و سامان‌دهی شدند. با این حال، هنوز ۲۰ تا ۲۵ درصد از مداحان به این طرح نیویسته‌اند و ما پیگیر هستیم تا تمام آن‌ها طبق قاعده و قانونی که برایشان تعریف می‌شود، مراسم ترحیم را برگزار کنند. حتی هزینه‌ها و قیمت‌ها برایشان مشخص شده است و نمی‌توانند خارج از آن مبلغی دریافت کنند؛ البته برخی مداحان خارج از چارچوب‌ها فعالیت می‌کنند و این موضوع نیاز به سامان‌دهی دارد. او می‌افزاید: نرخ دریافتی مداحان تحت نظارت ما ۲۵۰ هزار تومان بدون بلندگو و ۴۵۰ هزار تومان با بلندگو است و این رقمی است که خانواده متوفی، داخل دفتر حساب می‌کنند و آن‌ها نمی‌توانند خارج از این برنامه عمل کنند. احمدی نیک می‌گوید: برخی خانواده‌ها به خاطر تقدیرشان برای برگزاری مراسم به اصطلاح خاص، معمولاً از مجموعه‌های تشریفاتی دعوت می‌کنند تا برگزاری مراسمشان را برعهده بگیرند. معمولاً نظارتی بر این سازمان‌ها نمی‌شود و در خیلی از مواقع شاید به قول شما تخلف هم مرتکب شوند، باین حال من تأکید می‌کنم که با هرگونه تخلف در این حوزه برخورد می‌شود.

گزارشی از ناهنجاری نداشته ایم

مصطفی حقیقت‌فر، رئیس اتحادیه تالارهای پذیرایی مشهد، هم می‌گوید: دراصل نظارت بر اجرای مراسم ترحیم در تالارها، به عهده اماکن و نیروی انتظامی است. البته ما هم گاهی از طریق کلیپ و شبکه‌های مجازی این موضوع را دیده‌ایم. اما به خودمان چیزی درباره ناهنجاری‌ها گزارش نشده است. به نظر من، یکی از دلایلی که مردم به سمت برگزاری مراسم در تالارها گرایش پیدا کرده‌اند، هزینه سنگین مساجد است. الان ورودی مساجد درجه یک، ۱۰ میلیون تومان به بالاست. این رقم، جد از خدماتی است که ارائه می‌دهند. معلوم است کسی که حق انتخاب بین این دو گزینه را داشته باشد، انتخابش فضای تالارهاست که شکل‌تر است و محدودیتی برای پذیرایی ندارد. افراد وقتی وارد این مجموعه‌ها می‌شوند، دوست دارند تنوع بیشتری در این جریان باشد و این رویه باعث می‌شود برگزاری مراسم از جریان اصلی دور شود. البته باید این نکته را یادآوری کنم که اجرایی هم اگر باشد، با موسیقی‌های سنتی و ملودی‌های غمناک است.

خطر نوآوری فرهنگی

دکتر حامد بخشی از منظر جامعه‌شناسی به موضوع نگاه می‌کند و می‌گوید: دو اصل اساسی در مورد فرهنگ وجود دارد؛ فرهنگ، امری ثابت نیست و فرهنگ‌ها پیوسته تغییر می‌کنند. تغییرات فرهنگی معمولاً توسط نوآوران در داخل جامعه یا از طریق عناصر فرهنگی جدید رخ می‌دهد. او توضیح می‌دهد: هر جامعه‌ای در میان نوآوری‌های فرهنگی، دست به انتخاب می‌زند و موضوعاتی را که با شرایط سازگارتر است، انتخاب می‌کند و بقیه را کنار می‌گذارد. در حال حاضر، با توجه به تغییر فضای مذهبی و شکل‌گیری افشاری که خود را چندان مذهبی نمی‌دانند، به نظر می‌رسد برخی افراد در مراسم مذهبی به ایداعات فرهنگی جدیدی دست می‌زنند. این ایداعات شامل استفاده از نمادها و مناسک جدید در مراسم سنتی است. بخشی ادامه می‌دهد: حالا پاسخ پرسشمان را در این زمینه که نوآوری‌های فرهنگی را باید به عنوان تغییری در نظر گرفت یا بدعتی ناشی از چشم‌وهم چشمی‌ها، باید در فضای اجتماعی و فرهنگی جامعه جست‌وجو کنیم. چقدر این نوآوری‌ها به استقبال رویه رو شده‌اند و دلایل این همه استقبال چیست؟ معمولاً خانواده‌هایی که از این عناصر استفاده می‌کنند، اعتقادات مذهبی کم‌رنگ‌تری دارند، ولی به نظر می‌رسد این تغییرات فرهنگی، نیازمند توجه و بررسی دقیق‌تری است؛ چرا که می‌تواند نشان دهنده تحولات عمیق‌تری در نگرش‌های مذهبی باشد. به همین دلیل لازم است جامعه‌شناسان و پژوهشگران به دقت این روندها را بررسی و تأثیر آن‌ها را بر فرهنگ و اعتقادات مذهبی جامعه تحلیل کنند.

پیگیر رعایت شئونات هستیم

حجت‌الاسلام والمسلمین حسن افکار هم در مقام مدیریت ستاد کانون‌های فرهنگی هنری مساجد خراسان و هم به عنوان یک کارشناس مذهبی در گفت‌وگو با خبرنگار شهرآرا، گریزی به شکل‌گیری مساجد و نقش آن‌ها در برگزاری مراسم مختلف می‌زند و می‌گوید: اگر به ریشه تاریخی و شکل‌گیری شهرهای اسلامی از همان گذشته تا امروز دقت کنیم، متوجه خواهیم شد که مساجد محور اصلی برگزاری برنامه‌ها بوده‌اند؛ حالا چه در مراسم شادی و جشن، چه در موضوعات مربوط به سوگواری و ترحیم. او این توضیح را هم اضافه می‌کند که: البته دراصل، فلسفه برگزاری مراسم، یادآوری واقعه حتمی مرگ برای زندگان است اما این نکته هم اهمیت دارد که افراد در شرایط سخت و بحرانی کنار هم هستند و به لحاظ روحی و روانی در جمع، آرامش بیشتری دارند. به گفته افکار، این کنار هم بودن و همراه هم بودن حسن بزرگی است و کمترین آن این است که در کم کردن میزان تألم ناشی از سوگ تأثیر دارد. آن هم در غم و مرگ عزیزان که یکی از واقعیت‌های انکارناپذیر هر اجتماع و جمعی است. به همین خاطر این رسم نسل به نسل انتقال یافته تا به امروز رسیده است. او یادآوری می‌کند: البته بدعت غلطی که این روزها در حال باب شدن است، نواختن لی و دف و موسیقی در مراسم ترحیم است که هیچ سودی به حال میت ندارد. بحث سامان‌دهی شئون و مراسم را مرکز رسیدگی به امور مساجد پیگیری می‌کند؛ هیئت‌امنا و امام جماعت و نیروهای حاضر دیگر هم، ناظر این موضوع هستند و اگر مشخصاً مشکلی بود، باید به صاحبان عزاکو شرد کنند.

